

## سفرنامهٔ مکه

### عباسقلی بن شهباز کمرودی نوری مازندرانی

حسین واثقی\*

#### چکیده

پیشینهٔ این سفرنامه به سال ۱۲۴۶-۱۲۴۵ ق. بازمی‌گردد. به نوشتهٔ عباسقلی کمرودی، صاحب سفرنامه که از اهالی کمرود نور مازندران بوده، حرکت از حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام (شهر ری) آغاز شده، به سوی اصفهان و شیراز و بندر بوشهر ادامه می‌یابد و در روز ۱۵ جمادی الآخر ۱۲۴۵ قمری، با کشتی به سوی بندر عباس، و از آنجا به سوی بندر مُخا در یمن و از بندر مُخا به مقصد جدّه می‌روند و پس از ۱۴ روز دریانوردی، به جهت وجود باد مخالف، به عمان برمی‌گردند و از آنجا با شتر به سوی مکه سفر می‌کنند.

وی ۳۳ روز در مکه معظمه توقف داشته و بجز ادای مناسک حج، تعداد ۴۵۰ طواف - نه شوط - بر گرد خانهٔ کعبه انجام داده، و در مدینهٔ النبی ۶ روز توقف داشته است.

کلید واژه‌ها: سفرنامهٔ مکه، مشکلات راه دریا، عباسقلی کمرودی نوری، امنیت و ارزانی، راه زمینی مکه، ایران، شام، ترکیه

\*. پژوهشگر تاریخ و میراث علمی شیعه در مکه مکرمه و مدینهٔ منوره و صاحب موسوعهٔ ذخائر الحرمین

الشریفین که تاکنون ۱۱ جلد آن منتشر شده است. hussein.vaseghi@yahoo.com

صاحب این سفرنامه کوتاه - ولیکن دقیق، مفید، جذاب و دلنشین - در روز ۱۵ جمادی الآخر، از سال ۱۲۴۵ قمری، از حضرت عبدالعظیم رضی الله عنه، از شهر ری حرکت کرده، به سوی اصفهان، شیراز و در بندر بوشهر بر کشتی سوار شده، به سوی بندر عباس، و از آنجا به سوی بندر مَحا در یمن. از بندر مَحا به مقصد جدّه بر کشتی سوار شده، اما پس از ۱۴ روز دریانوردی، به سبب وزیدن باد مخالف، به عمان برگشته، و از آنجا با شتر به سوی مکه سفر کرده است.

وی ۳۳ روز در مکه معظمه توقف داشته و به جز ادای مناسک حج، تعداد ۴۵۰ طواف - نه شوط - بر گرد خانه کعبه انجام داده، که رقم معتنا بهی است.

وی در روز ۲۲ ذی الحجّه، از مکه معظمه به سوی مدینه منوره رهسپار، و پنجم محرم به مدینه وارد می شود، و در مدینه النبی، ۶ روز توقف داشته، و در روز عاشورای سال ۱۲۴۶ ملاعین آنان را از مدینه بیرون رانده و نگذاشتند بمانند و عزاداری کنند.

وی در بازگشت از راه زمینی، به سوی دمشق می آید و هشتم ماه صفر به آنجا می رسد، ۱۷ روز در آنجا توقف نموده، و دو بار به زینیه برای زیارت می رود، و سپس با گذر از شهرهای حمص، حماة، حلب و عیتاب وارد ایران می شود، و از شهرهای خوی، تبریز، زنجان، قزوین عبور کرده، و در روز هشتم جمادی الأولى از سال ۱۲۴۶ هجری قمری وارد تهران می شود، سفر وی حدوداً ۱۱ ماه به طول می انجامد، و هزینه سفر او هشتاد تومان اشرفی تومانی می شود که بیش از نیمی از آن برای خرید سوغات و قاطر سواری و... بوده است.

برخلاف بیشتر سفرنامه نویسان مکه که از ناامنی، گرانی و بیماری عمومی سخن می گویند، وی از وفور نعمت و امنیت و راحتی دم می زند، بلکه می گوید گمان ندارم چنین شرایطی برای گذشتگان از آغاز بنای کعبه دست داده باشد، و یا در آینده نصیب حجاج شود.

به نظر می رسد وی از بنیه جسمی زیادی برخوردار بوده، که با تحمل مشکلات سفر در آن زمان، باز هم اینچنین از سفر مکه اش سخن می گوید.

وی از فاصله های دریایی و خشکی بین شهرهایی که پیموده اطلاعات دقیقی ارائه و به اعداد سیاق آنها را ثبت کرده است. از سرکار خانم حاج باقریان که معادل یابی اعداد سیاق را انجام دادند تشکر می کنم.

از صاحب این سفرنامه پس از جستجو در مصادر دم دستی، عجالاً اطلاعاتی به دست نیامد، مگر آنکه بگوییم وی از فضایی حوزوی زمان خود بوده که به اجتهاد نرسیده و از حجة الاسلام سید شفتی تقلید می کرده است. وی از اهالی کمر رود نور مازندران بوده، و گاهی در تهران اقامت داشته است.

او نسخه‌ای از حقّ الیقین علامه مجلسی را کتابت کرده، و در ششم ذی القعدة سال ۱۲۴۷ ق. در تهران از آن فراغت یافته است. این نسخه خطی هم اکنون در کتابخانه مدرسه علمیه مروی تهران به شماره (۱۰۱۲) نگهداری می شود.

هرچند وی در متن سفرنامه، اسمی از خود نبرده است، اما در آخرین صفحه حقّ الیقین از خود نام برده، و در ذیل آخرین صفحه کتاب، شروع به نگارش این سفرنامه مگه نموده است با همان خط. گرچه سفرنامه به سال ۱۲۴۵-۱۲۴۶ هجری قمری بازمی گردد، لیکن پاکت نویس آن پس از کتابت حق الیقین انجام شده است.

کلید واژه‌ها: سفرنامه مکه، مشکلات راه دریا، عباسقلی کمررودی نوری، امنیت و ارزانی، مسیر دریایی به مکه، راه زمینی از مکه به سوی ایران از شام و ترکیه.

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

الحمد لله رب العالمين، و العاقبة للمتقين، و الجنة للموحدين المطيعين، و النار للجاحدين الملاحدين، و الصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين، و لعنة الله على أعدائهم و مخالفهم و مبغضهم و غاصبي حقوقهم إلى يوم الدين.

بر آرای صوابنمای برادران دینی و پیروان شریعت مقدسه جناب ختمی مآب حضرت مصطفوی ﷺ و مقتدایان طریقه مطهره حضرت مرتضوی علیه السلام واضح و لائح بوده، مخفی و مستور نماناد که جناب قادر بی چون، و واقف احوال اندرون و بیرون، و آمر امر «کُنْ فیکون»<sup>۱</sup> جلّ جلاله و عظم سلطانه، به فضل و کرم غیرمتناهی خود این اقلّ خلیقه بل لا شیء فی الحقیقه را توفیق و استطاعت سفر خیر اثر حجّ بیت الله الحرام و آستان ملائک پاسبان بوسی جناب سیّد الأنام، و زیارت ائمه اربعه بقیع علیهم الصلاة والسلام کرامت و مرحمت فرموده، در همان عام الاستطاعه، موافق سنه هزار و دویست و چهل

۱. این جمله در چند آیه قرآنی آمده است.

و پنج هجری، در یوم شنبه هشتم شهر جمادی الآخری، در محله پای منار دارالخلافة، نقل مکان در محله عودلاجان در سر گذر، در منزل قره العینی میرزا علی پسر عم منزل کرده، در دوازدهم شهر مذکور نقل مکان در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه التحیه والتکریم کرده، در پانزدهم شهر مزبور به رفاقتی عالی جنابان حاجی ملا محمد علی ولد کھف الحاج حاجی عبدالمحمد بلده ای نوری، و حاجی محمد ابراهیم استرآبادی الأصل دارالخلافة المسکن که نایب رضوان جایگاه بابا علی خان شاطرباشی سرکار عظمت مدار اعلی حضرت صاحبقرانی و کشور ستانی خلد الله ملکه بود.

از زاویه مطهره بیرون رفته، قطع مراحل و طی منازل، وارد دارالسلطنه اصفهان - که ابد الآباد آباد باد - در منزل عالی جناب خیر الحجاج و المعتمرین حاجی ملا محمد جعفر ولد مرحمت و غفران پناه اُستادی ملا محمد صادق کلائی رودبار سُفلائی منزل کرده، دوازده یوم در آنجا توقّف، و بعد قطع مراحل و طی منازل در پانزدهم شهر رجب المرجّب وارد دارالعلم شیراز، دوازده یوم هم در آنجا توقّف، و بعداً عازم بندر ابوشهر، در دهم شهر شعبان المعظم وارد بندر مزبور، عُرابی [کشتی] از مال حاجی ناصر ولد حاجی محمد نصیر کنگانی که اهل عامه شافعی مذهب بود حاضر بوده، عرشه غراب - که سقف و بوسه مصطلح اهل غراب است - به مبلغ بیست و پنج ریال فرانسه که معادل هشت تومان و سه هزار رایج ایران می شود کرایه قرار داده، در شب شنبه دوازدهم شهر مزبور سوار غراب شده، در دو شب و یکروز وارد بندر کنگان که ولایت ایشان است شدیم.

به علت انقلاب دریا، مدت نوزده یوم در آنجا توقّف، در دوّم ماه مبارک رمضان سوار غراب شده، در دو شبانه روز وارد بندر مشهور به طاهری شده، دو یوم در آنجا توقّف، و بعداً سوار شده در پنج شبانه روزی وارد بندر عباسی شده، هشت یوم در آنجا توقّف، و بعد سوار شده، در بیست و چهارم ماه مبارک در مقابل رأس الحدّ که به مسافت دریایی سه منزل به آن طرف مسقط است وارد شدیم.

و [چون] در مسقط ناخوشی وبا بود نرفتیم، و از رأس الحدّ که گذشتیم متصل به دریای هند می شود که نه کوهی و نه برّی و نه بیابانی دیده نمی شود، بالا آسمان و پایین دریای عمان که زهره گداز انس و جان است.

در مدّت سی و چهار شبانه روز طول کشیده است تا وارد بندر مُخا که اول مملکت یمن است، که از مُخالی صنعا که پایتخت پادشاه ایشان است، شش منزل است شدیم. هشت یوم در آنجا توقّف، و در اواخر شهر شوّال المکرّم سوار شده عازم جدّه که حضرت حواّ در آنجا مدفون است شدیم. باد مخالف وزیدن گرفت، در مدّت چهارده شبانه روز صاحب غراب که مذکور شد هرچه سعی کرد که به کِنار [به ساحل] برسیم روز به روز مخالف تر بود. آخر الأمر به عمّان [در نسخه «امان»] آمدیم، در شب یازدهم ذیقعدة الحرام از مرسای مرصاد، که سه منزل آن طرف مرسای ابراهیم است، از دریا بیرون رفتیم و از اعراب بدوی شتر کرایه کرده، در روز چهاردهم وارد [شدیم به] یَلَمَلَم که به سعدیه اشتهار دارد و میقاتگاه اهل یمن است.

در همان روز بعون الله تعالی احرام عمره معتبره در حجّ تمتّع را بستیم، قریب به غروب، لَبِیک گویان سوار شتر بی کجاوه شده، در هفدهم شهر مزبور به علّت گرفتن گُمُرک حجّاج را بردند به حدّه. شب هجدهم سوار شده، روزش وارد حُدَیدَه، شب نوزدهم سوار شده، تخمیناً یک ساعت به صبح مانده داخل در ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانْ آمِنًا﴾ شدیم. روز نوزدهم بفضل الله تعالی طواف عمره و نماز و سعی بین الصفا و المروه را به عمل آوردیم، و بعداً مُحِلّ شده، به دعای مؤمنین و مؤمنات اهل دین مشغول بودیم تا یوم ششم شهر ذی حجة الحرام حجّاج راه شام و غیره وارد مکه معظمه شدند، روز ترویه که هشتم شهر مزبور است وارد منا، شب را در آنجا بیتوته به عمل آوردیم.

روز عرفه قبل از ظهر وارد عرفات، مکلف به عمل آمد. بعد از غروب از آنجا عازم مشعرالحرام، شب دهم را در آنجا بیتوته نیز به عمل آمد. روز دهم مقارن طلوع شمس سوار شده، در وادی مُحَسَّر که بین مشعر و منا است و هرّوْلَه مؤکده داشت به عمل آمد و بعداً وارد منا، قربانی و حلق رأس و رمی جمرات ثلاثه<sup>۲</sup> به عمل آمد، همان روز را وارد مکه معظمه، و طواف حجّ تمتّع و نماز و سعی بین الصفا و المروه و طواف نساء نیز بفضل الله تعالی و عونه به عمل آمد، و همین یوم باز معاودت به منا کرده، شب یازدهم

۱. قسمتی از آیه ۹۷ سوره آل عمران، و مقصود آن است که وارد مکه شدیم.

۲. کذا، حجّاج در روز عید فقط به جمره عقبه ریگ می‌زنند، اما در روزهای بعد به هر سه جمره.

و روز آن، و شب دوازدهم و روز آن تا مقارن چهار ساعت از روز گذشته، و آنچه مکلف به این مدت بود نیز به عمل آمده، بعداً وارد مکه معظمه شدیم. اللهم تقبل منا بمحمد وآله الطاهرين.

و چون جناب مجتهد العصر و الزمانی، حاجی سید محمد باقر رشتی،<sup>۱</sup> که [بنده] اقل خلق الله در مناسک حج مقلد سرکار ایشان بودم، در رساله مناسک فرموده که: «مستحب است که سیصد و شصت طواف به عدد ایام سال به عمل بیاورند و اگر نتواند سیصد و شصت شوط به عمل آورد»، این روسیاه در مدت سی و سه روز که ایام توقف مکه معظمه بود چهارصد و پنجاه طواف از برای خود و والدین و اعمام و عمات و احوال و خالات و اخوان و اخوات و زوجات و معلمین و متعلمین و ذوی الحقوقین و همسایگان و اهل خانواده، ذکوراً و اُنثاءً، حیاً و میتاً، و اهل ده و اهل بلوک و ملتسمین به عمل آوردم. الحمد لله رب العالمین. دیگر نمی دانم به جایی بر خوردم، یا حمالی عبثی بود، که در مدت یازده ماه به عمل آمد. امید برخوردارن به جا از فضل عمیم خداوند کریم دارم، که بحرمة محمد و آل او دارم که قبول فرموده باشد.

و در بیست و دوم ماه مزبور، به حمل شتر کجاوه دار، به رفاقتی حاجی رمضان بیک خویش که همکجاوه بودیم، دو نفری مبلغ پنجاه باجقلی کرایه قرار داده، در حمل حاجی عباس بن عثمان که حمل دوم جای ایشان سوار شده، منزل اول که به وادی فاطمه اشتهار داشت [وارد] شدیم، بعد از طی منازل و قطع مراحل، در پنجم شهر محرم الحرام وارد مدینه طیبه حضرت سیدالانام شدیم. پنج یوم در آنجا شرفیاب، روز ششم که روز عاشورا بود، ملاعین حجاج را سوار کرده بیرون کرده اند، در طی منازل، در هشتم ماه صفر المظفر هزار و دویست و چهل و ششم هجری داخل شام محنت انجام شدیم.

مدت هفده یوم در محله مسجد طوی ماندیم و در مسجد معاویه<sup>۲</sup> علیه اللعنة والهائیه به زیارت حضرت یحیی علیه السلام مشرف شدیم و دو بار هم در قریه مشهوره به زینیه به زیارت حضرت زینب مصیبت ها دیده و ستم ها کشیده مشرف شدیم و در بیست و چهارم ماه

۱. وی در اصفهان مرجعیت تام داشت و مسجد سید از آثار اوست.

۲. مقصود مؤلف مسجد جامع اموی دمشق است.

مزبور از شهر مذکور حرکت کرده، در بیست و نهم وارد حِمَص [در نسخه «حمیص»] شدیم، روز سلخ آن که شب غُرّه ربیع الأول بود وارد شهر حُمَاة [در نسخه «هما»] شدیم که شطّ و رود آنجا شطّ آب فرات است که در جنب کربلای معلّی می‌گذرد.

روز غُرّه را در آنجا توقّف، دوّم ماه را حرکت به جانب شهر حلب، در پنجم شهر مزبور وارد شهر حلب شدیم. سه روز را در آنجا توقّف، و در مسجد جامع آنجا به زیارت حضرت زکریّا علیه السلام مشرف شدیم و بعداً از آنجا حرکت کرده، در طیّ چهار منزل وارد شهر عینتاب [در نسخه: «انطاب»] یکروز در آنجا توقّف، و بعد چهار منزل دیگر طی کرده وارد شهر ملاطیه، دو روز در آنجا توقّف و بعداً در طیّ چهار منزل دیگر وارد شهر آگین که شطّ بغداد در آنجا می‌گذرد، یک روز هم در آنجا توقّف، و بعد از قطع چهار منزل دیگر، در شب غُرّه ربیع الثانی وارد شهر ارزنجان شدیم. شب مزبور موافق اواسط فروردین ماه قدیم بود که دو شبانه روز را در شهر باران، و در کوه‌ها برف بسیاری باریدن گرفت، دو یوم در آنجا توقّف و بعد از قطع چهار منزل دیگر وارد شهر ارزن [ة] الروم شدیم، دو یوم هم در آنجا توقّف، و بعداً در طیّ دوازده منزل وارد شهر خوی آذربایجان شدیم.

دو روز هم در کاروانسرای سلمان خان توقّف کردیم، و بعداً در طیّ چهار منزل دیگر وارد شهر دارالسلطنه تبریز [شدیم]، چون ناخوشی طاعون بود توقّف نشد، شب روز ورود، در طیّ هفت منزل وارد شهر زنجان که همان سال حاجّ الحرمین حاجی میرزا احمد ویلک وزیر نواب فتح الله میرزای شاهزاده، صاحب اختیار محال خَمسه بود، در آنجا بود یک روز هم در آنجا توقّف، روز غُرّه جمادی الأولى از آنجا حرکت کرده، در طیّ چهار منزل وارد شهر قزوین شدیم، دو روز هم در آنجا، در سرکار عالیجاه میرزا محمّد شریف خان قزوینی مهمان بودیم، و بعداً در طیّ سه منزل دیگر یوم هشتم ماه مزبور وارد دارالخلافه طهران در منزل قرّة العینی میرزا علی شدیم، که مدّت سفر خیر اثر یازده ماه بدون کم و زیاد کشید، والحمدلله سالی بود که از بدو بنای خانه کعبه معظّمه تا آن سال، در ارزانی و وفور نعمت و کثرت امنیّت و ندادن دورمه [مالیات عبور] و خوش گذشتن از برای حجّاج، از برای پیشینیان اتّفاق نیفتاده، همچه می‌دانم که از برای پسینیان

هم اتفاق نیفتد و مبلغ هشتاد تومان رایج اشرفی تومانی آن وقت و زمان خرج شد، نصف آن، بل متجاوز، سر سوغات [سوقات] و ارمغان و قیمت قاطر و غیره بود. فهرست فراسخ دریایی از قراری که از حاجی ناصر صاحب غراب که مدّت پنجاه و دو سال در دریا سفر کرده مستفید شدم اینست:

از بندر ابوشهر [بندر بوشهر] الی بندرعباسی [بندر عباس] **لـ** صد و پانزده [فرسنگ؛

از بندر عباسی الی بندر مخای یمن **لـ** [چهارصد و هشتاد و شش] فرسنگ؛  
از مخا الی جدّه **لـ** [صد و شصت و هفت] فرسنگ که سفر حجّاج در دریا تمام می شود، که مجموع هفتصد و شصت و هشت فرسخ می شود.  
مدّت سفر دریا سه ماه کشید، پنجاه و چهار روز و شب در سوار غراب بودیم، سی و شش روز ایام توقّف بنادر بود.

منازل سفر خشکه از مکه معظمه الی دارالخلافة طهران بدین تفصیل است:

از مکه معظمه الی مدینه مشرفه **لـ** [ده] منزل؛

از مدینه طیبه الی شام محنت انجام **لـ** [بیست و چهار] منزل؛

ایام اطراق از مکه الی شام **لـ** [ده] یوم؛

از شام [یعنی دمشق] الی شهر حمص<sup>۱</sup> **لـ** [پنج] منزل؛

و از حمص<sup>۲</sup> الی شهر حماة [در نسخه: همای] [یک] منزل؛

از شهر حماة [در نسخه: همای] الی شهر حلب **لـ** [چهار] منزل؛

از شهر حلب الی شهر انطاب<sup>۳</sup> **لـ** [چهار] منزل؛

و از شهر انطاب الی شهر ملاطیه **لـ** [چهار] منزل؛

و از شهر ملاطیه الی شهر آگین **لـ** [چهار] منزل؛

۱. در نسخه «حمیص» آمده است.

۲. همان.

۳. کذا، اکنون به صورت (عنتاب) نوشته می شود.



و از آگین إلى شهر ارزنجان لـ [چهار] منزل؛  
 و از ارزنجان إلى شهر ارزن الروم لـ [چهار] منزل؛  
 و از ارزن الروم إلى بلدة خوی مـ [دوازده] منزل؛  
 و از خوی إلى تبریز لـ [چهار] منزل؛  
 و از تبریز إلى شهر زنجان مـ [هفت] منزل؛  
 از زنجان إلى شهر قزوین لـ [چهار] منزل؛  
 از قزوین إلى دارالخلافة طهران مـ [سه] منزل؛

مجموع نود و چهار منزل می شود. باقی ایام مدت سفر خیر اثر، ایام توقف  
 مکه معظمه و مدینه مشرفه و شام و أطراق راهها و توقف بلاد و معطل کردن اعراب  
 اشد کفراً می باشد.



مؤثر بر اندوه خویش مشاهده دست از آیات و جبار مؤثره در ولات معتبره بر دست اندازین  
رسالت سبط الهی و بر سر و نموده ام شکر آن را بکفر آن مبتذل نکردم و گامی بطلب عفران و دعای خیر  
این شکسته را با دستانم و در وقت اول و آخر او القوه علی سید المرسلین ص و عمره العباس الطاهرین  
و لعنه الله علی عدائهم اجمعین که وقت من نبود بجزه ششم الموضه فی یوم  
الاصح فی روز کفایت الظفرین صانها الله عن طوارق الکفران سادگان خیر  
و بقیه اطرام من ستم ستمه سبع و اربعین و اما ان الله  
الذی انقض علیک الذل و الغرور و الغرور و الغرور علی  
ربیع المرحوم المتوفی رتبه تبارک و تعالی  
التوری المازندرانی زماکان

آقای احمد عالی  
دعای خیر

در روز  
۲۲  
۱۳۳۲

بسم الله الرحمن الرحیم

ای مکرر رسالت عالمین و العاقبه الخیرین و الخیرین المطهرین و الخیرین المومنین و الخیرین المومنین و الخیرین المومنین  
عید خیر طریقه محمد و آله الطیبین الطاهرین و الخیرین المومنین و الخیرین المومنین و الخیرین المومنین و الخیرین المومنین  
المدینین برادرای خیر انبای برادران و بیخی و برادران شریفه مقدسه صاحبک نعمی است حضرت  
سید مطهری امام الله و معتزبان طریقه مطهره حضرت سید مطهری و در هیچ و هیچ بود و منفی و منور مانا که جنب  
فا در چون و در انچه احوال برزدن و بیرون و در امر آن فلکون صلوات الله علیه و آله و سلم و فی کل صلوات  
مشایخ خود این اتقی صلیه الله علیه و آله و سلم را در حق و کسوفه سفره اشراجی است که الامام و انسان طایفه  
با سنان بوسی جبابه عبد الامام و زیارت نامه از اربعه بضع عظیم القوه و السلام کرمیت و کرمیت فرمود  
در جهان عام اگر کس که موافق سینه برزد و ولایت و جعلی نخی هوی در یوم شبته استم شرم جدای لاوی  
در قفسه های سار در انچه فعل مکان در وقت خود و لا یجانی و شکر کند در منزل قره العینه برزد و هر کس منزل  
کرده در روز و از هم شرم تا کور فعل مکان در روزه مقدسه حضرت سید العظیم علیه التحیه و التوی کرده

در یاد زنده